

دکتر علی تقوی

رئال‌سیسم

در ادبیات داستانی ایران



سرشناسه	:	تقوی، علی، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	رنالیسم در ادبیات داستانی ایران / علی تقوی.
مشخصات نشر	:	تهران: پایا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۳۰۴ ص.
شابک	:	978-964-6748-66-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۸۱.
یادداشت	:	نمایه .
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	:	Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
موضوع	:	واقع‌گرایی در ادبیات
موضوع	:	Realism in literature
رده بندی کنگره	:	PIR۳۸۶۹/ت۷۹۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۸۴۳/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۴۰۴۹۴۲



نشرت پایا

رنالیسم در ادبیات داستانی ایران



نویسنده : دکتر علی تقوی
طراح جلد : سید ایمان نوری نجفی
چاپ نخست: ۱۳۹۸
شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۴۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی : پایا

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان جویبار، کوچه نور بخش، پلاک ۳۲ www.nashrepaya.ir
تلفن: ۸۸۹۳۰۰۴۸ - ۸۸۹۳۰۰۴۶
@payapublication

این اثر به سفارش موسسه فرهنگی فرهیختگان معاصر تهیه و تنظیم شده است.
حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
فصل نخست: مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی.....	۹
۱-۱ درآمدی بر رئالیسم.....	۹
۲-۱ رئالیسم فلسفی.....	۱۲
۳-۱ جنبش رئالیسم و ویژگی‌های شاخص آن.....	۱۶
۴-۱ نویسندگان بزرگ رئالیست جهان.....	۲۳
۵-۱ انواع رئالیسم.....	۲۶
۱-۵-۱ رئالیسم باوجدان و رئالیسم آگاه.....	۲۶
۲-۵-۱ رئالیسم بورژوا.....	۲۹
۳-۵-۱ رئالیسم انتقادی.....	۳۰
۴-۵-۱ رئالیسم روان‌شناختی.....	۳۲
۵-۵-۱ رئالیسم سوسیالیستی.....	۳۳
۶-۵-۱ رئالیسم جادویی.....	۳۶
۷-۵-۱ رئالیسم گروتسک.....	۳۹
۶-۱ پیوند رئالیسم و ناتورالیسم.....	۴۰
فصل دوم: نقد و تحلیل رئالیسم در ادبیات داستانی ایران.....	۴۵
۱-۲ تجربه‌های نخستین (۱۲۷۴-۱۳۰۰).....	۴۵
۲-۲ جدال رئالیسم و رمانتیسم (۱۳۰۰-۱۳۲۰).....	۴۷
۳-۲ رشد و گسترش رئالیسم (۱۳۲۰-۱۳۳۲).....	۵۱
۴-۲ رئالیسم و سال‌های سکوت (۱۳۳۲-۱۳۴۰).....	۵۷
۵-۲ رئالیسم در ساحت‌های گوناگون (۱۳۴۰-۱۳۵۷).....	۶۱
۶-۲ رئالیسم در ادبیات داستانی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۷۰).....	۷۰
۱-۶-۲ رئالیسم در ادبیات داستانی انقلاب اسلامی.....	۷۳
۲-۶-۲ رئالیسم در ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس.....	۸۲

۱۰۸.....	۳-۶-۲ رنالیسم در ادبیات داستانی اقلیمی و روستایی.....
۱۲۴.....	۴-۶-۲ رنالیسم در ادبیات داستانی شهری.....
۱۴۳.....	فصل سوم: واکاوی رنالیسم در پانزده رمان رنالیستی.....
۱۴۳.....	۱-۳ چشم‌هایش؛ بزرگ‌علوی.....
۱۴۸.....	۲-۳ شوهر آهوخانم؛ علی محمد افغانی.....
۱۵۴.....	۳-۳ تنگسیر؛ صادق چوبک.....
۱۵۹.....	۴-۳ نفرین زمین؛ جلال آل احمد.....
۱۶۳.....	۵-۳ سووشون؛ سیمین دانشور.....
۱۶۹.....	۶-۳ همسایه‌ها؛ احمد محمود.....
۱۷۵.....	۷-۳ جای خالی سلوچ؛ محمود دولت‌آبادی.....
۱۸۹.....	۸-۳ کلیدر؛ محمود دولت‌آبادی.....
۲۰۶.....	۹-۳ داستان يك شهر؛ احمد محمود.....
۲۱۵.....	۱۰-۳ زمین سوخته؛ احمد محمود.....
۲۲۵.....	۱۱-۳ رازهای سرزمین من؛ رضا براهنی.....
۲۳۲.....	۱۲-۳ زمستان ۶۲؛ اسماعیل فصیح.....
۲۴۱.....	۱۳-۳ طوبی و معنای شب؛ شهرنوش پارسى پور.....
۲۴۹.....	۱۴-۳ اهل غرق؛ منیروروانی پور.....
۲۵۷.....	۱۵-۳ سال‌های ابری؛ علی اشرف درویشیان.....
۲۶۹.....	پسگفتار.....
۲۷۹.....	فهرست منابع.....
۲۹۳.....	نمایه.....

پیشگفتار

برای مطالعه درست و هدفمند سیر ادبیات داستانی معاصر ایران، بی‌گمان باید آن را از جوانب مختلف، به‌ویژه از لحاظ تأثیر مکاتب ادبی بررسی کرد و سنجید. یکی از مکاتبی که در ایران، از سوی نویسندگان، بسیار استقبال شد، رئالیسم یا واقع‌گرایی است. برخی از نویسندگان از همان نخستین آثار خود، شیوه و روش رئالیستی را برای نگارش برگزیدند و بهترین آثار خود را در این اسلوب پدید آوردند و برخی از دیگر نویسندگان نیز با وجود گرایش به مکتب‌های ادبی دیگر مانند رمانتیسم، سمبولیسم و سوررئالیسم، در برخی از آثار داستانی خود، به رئالیسم گرایش یافتند و آثار ماندگاری را به مخاطبان عرضه کردند.

در نقد و تحلیل رئالیسم در ساحت ادبیات داستانی معاصر، باید به این موضوع توجه داشت که رئالیسم همواره متناسب با اوضاع خاص هر دوره‌ای، دگرگونی‌هایی را در ساختار خود پذیرا شده است. بنابراین، شاید در عصر حاضر، دیگر کمتر بتوان داستان یا رمانی رئالیستی دقیقاً منطبق با اسلوب نویسندگان نیمه دوم سده نوزدهم یافت. پس، افزون بر آنکه برخی از نویسندگان به مکاتب ادبی‌ای غیر از رئالیسم گرایش دارند، نویسندگان رئالیست نیز خواه‌ناخواه پاره‌ای از مؤلفه‌های سایر مکاتب ادبی را متناسب با بافت و ساختار کلی آثار داستانی خود به‌کار می‌گیرند.

در پاسخ به پرسش‌هایی نظیر عوامل مؤثر در گرایش نویسندگان ایرانی به رئالیسم در ادبیات داستانی کدام است؟ نقش و کارکرد عناصر داستانی در رمان‌ها و داستان‌های رئالیستی چگونه است؟ انواع رئالیسم در ادبیات داستانی ایران کدام است؟ و دیگر

پرسش‌های نهفته در آنها، در فصل نخست پژوهش حاضر، به مبانی و ساختار رنالیسم در ادبیات داستانی پرداخته شد. در این فصل، با نهایت ایجاز و بهره‌مندی از منابع موجود، تلاش شد تصویری جامع از رنالیسم و انواع آن در ادبیات داستانی عرضه شود. یکی از مکتب‌های ادبی که در پاره‌ای از موارد شباهت بسیار به رنالیسم دارد، مکتب ناتورالیسم است. پس برای آنکه حد و مرز کار به‌درستی بازشناخته شود، بخش پایانی این فصل، به ناتورالیسم و نوع ارتباط و پیوند آن با رنالیسم اختصاص یافته است.

فصل دوم، به نقد و تحلیل رنالیسم در ادبیات داستانی ایران، از نخستین آثار تا سال ۱۳۷۰ اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل ضمن پیش چشم داشتن اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی، مهم‌ترین آثار رنالیستی این دوره را مورد واکاوی قرار داده است.

ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی، با توجه به اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی و وقوع رویدادهای بزرگی چون انقلاب و جنگ، در بسیاری از حوزه‌ها از جمله ادبیات اقلیمی و روستایی، و ادبیات انقلاب و دفاع مقدس متأثر از رنالیسم است. بنابراین برخی از نویسندگان رنالیست با تجربه بهترین آثار داستانی خود را در دوره زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ پدید آورده و بسیاری از نویسندگان جوان نیز نخستین داستان‌ها و رمان‌های خود را در فضاهایی رنالیستی عرضه داشته‌اند. بنابراین از آنجاکه به ادبیات داستانی این دوره از این منظر کمتر پرداخته‌اند، در بخش ششم از فصل دوم، طی پنج جستار، به نقد و تحلیل رنالیسم در ادبیات داستانی دوره مزبور پرداخته شده است. جستار اول، به بیان کلیاتی درباره ویژگی‌های ادبیات داستانی پس از انقلاب اختصاص یافته است. سپس در چهار جستار دیگر، به نقد و تحلیل جایگاه رنالیسم و میزان تأثیر و حضور آن در جریان‌های اصلی داستان‌نویسی این دوره، یعنی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی، ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس، ادبیات داستانی اقلیمی و روستایی و ادبیات داستانی شهری پرداخته شده است.

فصل پایانی کتاب، به نقد و تحلیل پانزده رمان برگزیده رئالیستی اختصاص یافته است. در این فصل تلاش بر آن بوده است رمان‌های شاخص رئالیستی همراه با نمونه‌هایی از متن آنها نقد و داوری دقیق و موشکافانه شود.

هرچند تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره ادبیات داستانی نوین ایران صورت گرفته است، دامنه تحقیقات در حوزه رئالیسم در ادبیات داستانی ایران محدود است و آن چند پژوهش صورت گرفته در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله نیز بیشتر درباره بخش‌ها یا دوره‌های محدودی از ادبیات داستانی ایران پیش از انقلاب است و به ادبیات داستانی پس از انقلاب کمتر پرداخته شده است.

یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته درخصوص ادبیات داستانی ایران، کتاب *صدسال داستان‌نویسی در ایران* نوشته حسن میرعبادینی است. نویسنده در بررسی و تحلیل داستان‌ها و رمان‌های نویسندگان معاصر ایران، در پاره‌ای از موارد به نوع رویکرد نویسندگان به مکتب‌های ادبی در طول دهه‌های مختلف از جمله سال‌های پس از انقلاب نیز پرداخته است. قهرمان شیری نیز در *مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران*، ضمن توجه به اقلیم‌های گوناگون داستان‌نویسی در ایران، به نقد و تحلیل چند تن از سرآمدان داستان‌نویسی آن اقلیم نیز پرداخته است. دیگر اثری که به بررسی برخی از متون داستانی ادبیات معاصر در چند عنوان و موضوع خاص پرداخته است، کتاب *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران* نوشته علی تسلیمی است که موضوع رئالیسم و دیگر مکتب‌های ادبی و میزان توجه نویسندگان به این مکتب‌ها، کمتر مورد توجه نویسنده بوده است. حسین پاینده نیز در مجلد اول کتاب *داستان کوتاه در ایران* که به داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی اختصاص یافته است، پس از نقد و بررسی ساختار رئالیسم و ناتورالیسم در ادبیات و هنر، به واکاوی و تحلیل دقیق برخی از داستان‌های کوتاه نویسندگان ایرانی پرداخته است. دیگر اثر قابل ذکر، کتاب *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران*، نوشته فدوی الشکری است. نویسنده در این اثر، پس از ذکر مقدمات بسیار در تعریف داستان و رمان و انواع آنها، به بیان کلیاتی درباره مکتب رئالیسم روی آورده و سپس، با

وجود وسعت شمول عنوان کتاب، فقط به بررسی سه اثر چشم‌هایش، مدیر مدرسه و همسایه‌ها پرداخته است.

بنابر آنچه گفته شد، ضرورت نقد و تحلیل ادبیات داستانی ایران از منظر رنالیسم، به‌ویژه در مقطع زمانی پس از انقلاب، بیش از پیش احساس می‌شود. بی‌تردید این‌گونه بررسی‌ها و داوری‌ها درباره‌ی زوایای گوناگون ادبیات داستانی ایران، می‌تواند در نگارش و تدوین روشمند سیر تاریخی و تحلیلی ادبیات داستانی کارآمد و مؤثر باشد.

در پایان جا دارد از استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد خاتمی که همواره مشوق و راهنمایم در امور پژوهشی بوده‌اند و همچنین از جناب آقای مهندس صادق خاتمی، مدیر محترم انتشارات پایا که چاپ و نشر کتاب را عهده‌دار شده‌اند، سپاسگزاری نمایم و قدردان زحماتشان باشم.

فصل نخست

مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی

۱-۱ درآمدی بر رئالیسم

رئالیسم در معنی واقع‌گرایی، از ریشه *real* به معنی واقعی و حقیقی مشتق شده است که این واژه نیز از ریشه *res* به معنی چیز است (گران، ۱۳۷۹: ۵۶). شانفلوری رئالیسم را «انسان امروز، در تمدن جدید» تعریف می‌کند و مویاسان نیز صورت دیگری از همین تعریف را می‌آورد: «کشف و ارائه آنچه انسان معاصر واقعاً هست» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۲۷۸/۱). تزوتان تودوروف رئالیسم را هم‌ریختی یک متن معین با هنجار متنی‌ای که نسبت به آن متن عنصری بیرونی است، می‌داند (تودوروف، ۱۳۷۹: ۴۰). توماس هاردی نیز می‌نویسد: «واقع‌گرایی خود هیچ نیست مگر مصنوعی که از تقطیر میوه‌های دقیق‌ترین مشاهدات فرامی‌آورند» (آلوت، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

در رئالیسم ادراک نویسنده از جهان عینی با ساختاری برساخته از شخصیت و واقعه به نمایش گذاشته می‌شود (اسکولز، ۱۳۷۷: ۱۱). با همه این اوصاف منتقدی می‌نویسد: «واژه رئالیسم با استقلال ظاهری‌اش از هر توصیف صوری و محتوایی و کیفی و با انعطاف‌پذیری مهارناپذیرش، اعجوبه‌ای است که اغلب اشخاص احساس می‌کنند بدون آن هم می‌توانند راحت‌تر سرکنند. نکته‌ای که دقیقاً نشان‌دهنده بی‌ثباتی مزمن این واژه

است، تمایل شدید آن به جذب این یا آن کلمه یا کلمات توصیفی است که حکم تکیه‌گاه معنایی آن را پیدا کند» (گران، ۱۳۷۹: ۱۱).

رنالیسم را در مفهوم عام آن می‌توان در تمامی آثاری که از سطح ظواهر عینی فراتر رفته، حقایقی از روابط گوناگون و پویای انسان‌ها با یکدیگر و با محیط‌شان را بیان می‌کند، بازشناخت. البته ناگفته نماند، هدف از آفرینش کار هنری، این نیست که عکسی از واقعیت تهیه شود، چون هنر ضمن جذب مفاهیم و تأثرات مشتق از واقعیت؛ دنیای درونی انسان، تجارب، شخصیت و تلقی‌اش از جهان عینی را هم منعکس می‌کند (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۹). در این میان رنالیسم به‌عنوان یکی از جنبه‌های طبع انسان، عموماً بیانگر علاقه و تمایلی بنیادین نسبت به شیء و موضوع خارج از ذهن است. بدین ترتیب جوهره رنالیسم عبارت خواهد بود از «تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، [...] روابط میان فرد و جامعه، و ساختمان خود جامعه» (همان: ۲۱). از این رو بیشتر نویسندگان به نوعی با واقعیت سر و کار داشته‌اند و بخش گسترده‌ای از ادبیات جهان را آثار واقع‌گرایانه به خود اختصاص داده است و این همان است که اچ. لوین آن را *گرایش ارادی هنر به واقعیت تقریبی* نامیده است (کادن، ۱۳۸۰: ۳۶۳). رنالیسم بدین مفهوم به درک و تجسم دیالکتیک روابط اجتماعی همراه با تضادهای موجود می‌پردازد.

رنالیسم به گونه‌ای شاخص‌تر پس از رنسانس آشکار شد. مردم عامه‌ای که در صددهایی از جامعه فئودالی بودند، به ناگاه خود را در دامی دیگر گرفتار دیدند. میان کمال مطلوب آزادی اجتماعی و واقعیت عینی تضادی حاصل شد و نویسندگان بسیاری این تضاد را در آثار خود به نمایش گذاشته و به گونه‌ای شایان توجه در آثار خود تحلیل اجتماعی، این ویژگی ماهوی رنالیسم را به کار گرفته‌اند. پس از دوره رنسانس نیز، در سده هفدهم، متأثر از اندیشه‌های رنه دکارت و جان لاک، گرایش فزاینده‌ای برای جایگزین کردن تجربه فردی به جای سنت جمعی، به‌منزله معیار نهایی واقعیت رواج یافت (وات، ۱۳۸۶: ۱۹).

رئالیسم که نخست راه خود را از عرصه زندگی روزانه مردم آغاز کرد، در سده هجدهم، در آستانه انقلاب فرانسه، به تجسم زندگی اجتماعی روی آورد که از اصول اساسی آن «آشکار ساختن واقعیت نوین، نفوذ در جنبه‌های گوناگون آن و پژوهش درباره این جنبه‌ها، انتقاد بی‌امان از اصول فئودالیسم و اخلاقیات آن، و کوتاه نیامدن در انتقاد از جنبه‌های منفی جامعه تکامل‌یابنده بورژوازی» است (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۳۵). در واقع «رئالیسم به‌عنوان شیوه‌ای خلاق [...] در مرحله معینی از تکامل فکری بشر، زمانی که انسان‌ها نیاز مبرمی به شناخت ماهیت و جهت تکامل اجتماعی پیدا کردند [...] به ظهور رسید» (همان: ۱۲).

ایان وات این تجسم همه‌شمول زندگی در رمان را رئالیسم صوری می‌نامد، «زیرا اصطلاح رئالیسم در اینجا به هیچ نظریه یا غایت ادبی خاص اشاره ندارد، بلکه منظور از آن صرفاً مجموعه‌ای از شیوه‌های روایت است که غالباً در رمان به کار می‌روند و آنقدر به‌ندرت در دیگر انواع ادبی یافت می‌شوند که می‌توان آن رویه‌ها را شاخص رمان دانست و بس. در حقیقت، رئالیسم صوری تجسم پیش‌فرضی است که [...] رمان گزارشی کامل و مطابق واقع از تجربیات انسان است و لذا می‌بایست با جزئیاتی از قبیل فردیت شخصیت‌های دخیل در وقایع داستان و مختصات زمان‌ها و مکان‌های اعمالشان خواننده را متقاعد کند، جزئیاتی که از طریق زبانی بسیار ارجاعی‌تر از آنچه در سایر انواع ادبی معمول است، ارائه می‌شود» (وات، ۱۳۸۶: ۴۸). برخی از منتقدان، ریشه این گرایش به تصویر واقع‌گرایانه زندگی روزمره را، از سویی در گرایش رئالیستی تفکر یونانی، یعنی ارج‌گذاری خرد عملی انسان، درایت، گفت‌وگو و مشورت، و از سوی دیگر، در دید عملی پروتستانتیسم یعنی ارج‌گذاری زندگی روزمره و تلاش‌های انتقادی و اجتماعی انسانی می‌دانند (محمودیان، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

۱-۲ رنالیسم فلسفی

رنالیسم، نخست طرز تفکری بوده است که در حوزه فلسفه به کار رفته و در طی سده‌های مختلف فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذارده است؛ از این رو به سادگی نمی‌توان تعریفی جامع از آن به دست داد. با نادیده انگاشتن برخی جزئیات، رنالیسم در نظر گرفتن واقعیتی مستقل از درک و شعور آدمی است که در شکل‌گیری ادراک نقش محوری را ایفا می‌کند. از این منظر، واقعیت و نظم آفاقی و عینی، ذهن انسان را مشروط می‌سازد و ذهن باید خود را با واقعیت خارجی منطبق سازد. رنالیسم بدین مفهوم، برابر نهاد سرسخت ایدئالیسم است که به واقعیتی مستقل و خارج از تصورات ذهنی قائل نبود. به بیانی دیگر، «رنالیست بر آن است که معرفت اصیل ممکن نیست مگر اینکه اشیا به نحوی مستقل از ذهن باشند. به عبارت دیگر، رنالیسم معتقد به تقدم هستی بر معرفت (=دانش) است. ایدئالیست بر آن است که، معرفت اصیل ممکن نیست مگر اینکه اشیا به نحوی متکی بر ذهن باشند» (کاپلستون، ۱۳۷۶: ۳۳۰).

در نظر رنه ولک، «رنالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن، اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بود و در برابر مشرب اصالت وجود اسمی^۱ قرار داشت که پیروانش اندیشه‌ها را جز نام یا امر انتزاعی تلقی نمی‌کردند» (ولک، ۱۳۷۷: ۱۱/۴).

ارسطو پایه‌گذار رنالیسم فلسفی که فلسفه^۲ او را رنالیسم کلاسیک نیز نام نهادند، قایل به مقوله‌های دهگانه‌ای^۳ است که دنیای واقع و طبیعت را تحت این مقوله‌ها قرار می‌دهد. او در رساله فن شعر^۴ ادبیات به ویژه انواع شعر را محاکات^۵ از طبیعت می‌داند؛ بیان و نمایش واقعیت بیرونی که در ذهن هنرمند بازتاب یافته است و به کمک نیروی تخیل

1. Nominalism

۲. مقوله‌های دهگانه ارسطو شامل عرض‌های نه‌گانه و جوهر است. عرض‌های نه‌گانه عبارتند از: کمیت، کیفیت، نسبت، مکان، زمان، هیئت یا حالت، شرط، فعل، انفعال. نک: (شریعتمداری، ۱۳۶۴: ۲۸۸-۲۹۰).

3. Poetics

4. mimesis

بازآفرینی می‌شود (نک به: زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱۲-۱۱۸). «ارسطو به روشنی خاطر نشان کرده است که حقیقت‌نمایی رابطه میان سخن و مصداق آن (رابطه مبتنی بر صدق) نیست، بلکه رابطه‌ای است میان سخن و آنچه خوانندگان حقیقت می‌پندارند، [...] به بیان دیگر این سخن به قلمرو فهم مشترک افراد تعلق دارد» (تودوروف، ۱۳۷۹: ۴۰).

از دیگر انواع رئالیسم فلسفی، که با کاربرد عام رئالیسم مخالف می‌نماید، باید به رئالیسم مدرسی^۱ اشاره کرد. از دیدگاه پیروان این نوع رئالیسم، «کلیات (عدل و خیر و غیره) از موجودیت حقیقی برخوردارند و از اعیان جزئی که در آنها یافت می‌شود، استقلال دارند» (گرانث، ۱۳۷۹: ۱۴). به عبارتی دیگر، این «کلی‌ها، گونه‌ها یا مجردات‌اند که واقعیات راستین‌اند، و نه جزئی‌ها که اشیاء غیرمجردی هستند که با قوه حس انسان درک می‌شوند» (وات، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۶). استدلال قائلان به این تلقی از رئالیسم این است که ذهن انسان قادر به درک آن تصورات دقیقی است که اعتبار سرمدی دارند و زیربنای نظم عالم بوده، در واقعیت وجود دارند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۸۸۶). بعدها در سده هجدهم، تامس رید در *نحله عقل سلیم* با اینکه وجود حقیقی را برای کلیات قائل می‌شود، این کلیات را جدای از اعیان نمی‌داند.

در سده نوزدهم با انتشار آثار علمی کسانی چون داروین، و همچنین رواج مکتب فلسفی پوزیتیویسم یا فلسفه تحقیقی آگوست کنت که علم بشر را مبتنی بر تجارب حسی و تلاش برای کشف مناسبات اشیا با یکدیگر می‌دانست، دریچه نوینی بر واقعیت گشوده شد و نویسندگان شناخت دقیق‌تر و علمی‌تری از انسان و محیط او به دست آوردند و همین تأکید بر موفقیت‌های مادی، نظریه‌های گوناگون تکامل و جبر علمی و دلبستگی به روش علمی^۲، وزنه تعادل را از ایدئالیسم به رئالیسم سوق می‌دهد. در واقع با رواج پوزیتیویسم، دیگر بینش‌های انتزاعی، آرزوهای مبهم و آرمان‌های افلاطونی جایگاهی نداشت. از آنجا که پوزیتیویسم ارتباط بسیار نزدیکی با علوم اجتماعی داشت،

1. *Scholastique*

2. *Determinisme*

نویسندگان، به ویژه در حوزه‌های رمان و نمایشنامه، تمایل داشتند گوشه‌ای از عرصه علوم اجتماعی را تجربه کنند و به تحلیل علمی دقیق و مستند و کالبدشکافی جامعه دست یازند (فریدریش و هنری ملون، ۱۳۸۸: ۷۰۵).

در نیمه دوم سده نوزدهم، کارل مارکس بنیانگذار ماتریالیسم دیالکتیک به همراهی انگلس، مفهوم رنالیسم را تحول می‌بخشد. از دیدگاه ماتریالیسم دیالکتیک، جهان عینی، پیوسته در حال تغییر و تحول و تکامل است و همه اجزایش در یکدیگر مؤثر و با یکدیگر در ارتباط هستند؛ بنابراین مفاهیم ادراکی ما از واقعیت همواره در حال تغییر و تحول و بر یکدیگر تاثیرگذار هستند. با این تعریف، حقیقت را امری نسبی و متحول و متکامل می‌دانند (طباطبایی، ۱۵۰-۱۵۱).

نئورنالیست‌ها نیز در دهه دوم سده بیستم با انتشار کتاب *نئورنالیسم*، به بیان مبانی نظرات خود می‌پردازند. آنان بر این باورند که امور جزئی و کلی به طور مستقیم موضوع معرفت انسان قرار می‌گیرد، به عبارت دیگر تصویری از اشیا در ذهن پدید نمی‌آید، بلکه اشیا محسوس و امور کلی آن‌گونه که هستند در ذهن ظاهر می‌شوند. مور، ویتهد و راسل سه تن از مشهورترین نئورنالیست‌ها هستند. مور طرفدار ارزش معرفت عمومی است، بدین معنی که آنچه عموم مردم بدان اعتقاد دارند، وجود خارجی هم خواهد داشت (شریعتمداری، ۱۳۶۴: ۳۱۵-۳۱۷).

از دیگر انواع رنالیسم فلسفی که در دهه‌های آغازین سده بیستم رواج یافت، رنالیسم انتقادی^۲ است. اختلاف عمده رنالیست‌های انتقادی با نئورنالیست‌ها درباره معرفت آدمی و شیء خارجی است. رنالیست‌های انتقادی معتقدند، اشیا بدون واسطه در ذهن آن‌گونه که نئورنالیست‌ها می‌پنداشتند، ظاهر نمی‌شوند و درک مستقیم از آنها ممکن نیست. آنچه از دنیای خارج درک می‌شود امور حسی^۳ یا تصویرهای ذهنی است و به‌نوعی ذهن در

1 . *Commony sense*

2 . *Critical Realism*

3 . *sense date*

فرایند ادراک دخل و تصرف می‌کند. ایان باربور معتقد است، رئالیسم انتقادی از سویی همانند رئالیسم خام^۱ و برخلاف ابزارانگاری^۲، قائل به این است که نظریه‌ها بازنمودهای جهان‌اند و از سوی دیگر، رئالیسم انتقادی به جنبهٔ خلاقیت ذهن بشر نیز اعتقاد دارد. روی باسکار هم به بسط نوعی رئالیسم انتقادی-اجتماعی پرداخت. از دیدگاه وی، علم یک نوع فعالیت مستمر اجتماعی است و معرفت ما جدا از شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که در آن زندگی می‌کنیم، حاصل نمی‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۵؛ نیز نک: *Bhaskar, 1998: 575-587*).

رئالیسم علمی^۳ نیز در چند دههٔ اخیر رشد چشمگیری داشته است. این نوع رئالیسم که اساساً حاصل اختلاف و نزاع رئالیسم انتقادی با ابزارانگاری در باب نظریه‌های علمی است با سخن موجزی از هیلاری پاتنم در دههٔ ۱۹۷۰م شکوفا شد. وی معتقد بود اگر اشیایی که نظریه‌های علمی به آنها اشاره می‌کنند مانند الکترون‌ها، پروتون‌ها و ... وجود خارجی نداشته باشند، پیشرفت علم شبیه معجزه خواهد بود. با تمام اختلاف‌نظرهایی که بین رئالیست‌های علمی وجود دارد، می‌توان به سه اصل مشترک بین آنها اشاره کرد: «تغییر علم پیش‌رونده است. از این نظر تغییر علم تکاملی است، ۲. علم معرفت به چهره‌ای از جهان را که فراتر از تجلیات تجربی آن است امکان‌پذیر می‌سازد [...]»، ۳. حصول معرفت قابل اعتماد، مستلزم این نیست که صدق آن را به مطابقت [با خارج] بدانیم» (قائمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۹).

درمجموع باید گفت، رئالیسم فلسفی «سرشتی انتقادی و ضد سنتی و نوآورانه دارد و شیوه‌اش این است که فرد پژوهشگر باید ذهن خود را از بند تمامی فرضیات گذشته و اعتقادات سنتی برهاند و به بررسی جزئیات تجربه بپردازد؛ همچنین این دستگاه

1 . *Naïve Realism*
2 . *instrumentalism*
3 . *Scientific Realism*